روان‌شناسی عمومی

ویرایش هشتم



دکتر حمزه گنجی

روان‌شناسی عمومی

ویرایش هشتم

دکتر حمزه گنجی

نشر ساوالان

سرشناسه : گنجی، حمزه، ۱۳۲۱
عنوان و نام پدیدآور : روان‌شناسی عمومی/ حمزه گنجی
وضعیت ویراست : ویراست ۸
مشخصات نشر : تهران: ساوالان، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری : ۳۶۷ ص
شابک : ۹۷۸ ۶۲۲ ۵۸۶۳-۷۱ ۲
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
موضوع : روان‌شناسی
Psychology
رده‌بندی کنگره : BF۱۲۸
رده‌بندی دیویی : ۱۵۰
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی : ۹۲۲۶۱۷۸

نشر ساوالان

روان‌شناسی عمومی(ویرایش هشتم)

مؤلف: دکتر حمزه گنجی

تایپ و صفحه‌آرایی: معصومه خانلری **چاپ چهارم از ویرایش هشتم(در کل چاپ ۱۴۰۴(۸۹**

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۶۳-۷۱-۲ **ISBN:978-622-5863-71-2**

تعداد صفحات: ۳۶۷ **تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه**

آدرس: روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، واحد ۲۱۴، نشر ساوالان: **تلفن: ۶۶۹۵۱۹۴۳**

کدپستی : ۱۳۱۴۷۴۳۹۸۹

شرح روی جلد

«درانـــدرون مـن‌خسته‌دل نـــدانـــم کـــیست که من خموشم و او در فغان و در غـوغاست»

(حافظ)

فروید، روان انسان را به کوه یخی بزرگی تشبیه می‌کند که بخش اعظم آن در اَعماق آب قرار دارد و تنها قلهٔ آن از آب بیرون است. به عبارتی، آگاهی ما از افکار خود بسیار اندک است و بخش عظیمی از ادراکها، تمایلات و آرزوهای عمیق در زیر آستانهٔ آگاهی قرار دارد و دور از دسترس است.

قسمت قابل دسترس ذهن را ***ناحیهٔ آگاهی*** و قسمتهای زیر آستانهٔ آگـاهی را، ***نـواحـی نیمه‌آگاهی و ناآگاهی*** می‌نامند. نیمه‌آگاهی بخشی از تجربه‌های زندگی است که در حـال حاضر به آنها دسترس نداریم اما اگر تلاش کنیم، آنها نیز وارد ***ناحیهٔ آگاهی*** می‌شوند، مثلاً می‌توانیم به یاد بیاوریم که جمعهٔ گذشته در کجا بودیم و ناهار چه خوردیم.

اما عناصر تشکیل‌دهندهٔ ***ناحیهٔ ناآگاهی*** در اختیار ما نیست و نمی‌توانیم آنها را به حوزهٔ آگاهی بیاوریم. این عناصر، در اثر مکانیسم دفاعی سرکوبی، در زیر آستانهٔ آگاهی نگهداشته می‌شوند و برخی از آنها برای ما اضطراب می‌آورند. مثلاً، چـرا حـاضر نـمی‌شویم لبـاس مرده‌ها را بپوشیم یا در تابوت خالی بخوابیم.

روان‌کاوان، برای پی بردن به ناحیهٔ ناآگاهی ذهن، آزمونهایی فراهم آورده‌اند که اصطلاحاً ***آزمونهای فرافکن*** نامیده می‌شوند. «فرافکنی»، یعنی افکار و اندیشه‌های غیرقابل قبول خود را به دیگران نسبت دادن. این آزمونها، با ایجاد موقعیتهای مبهم، موجب می‌شوند که افراد، در تفسیر آنها، تمایلات، آرزوها و ادراکهای خود را بر زبان آورند و به همان موقعیتها نسبت دهند. فال‌گرفتن از اشعار حافظ در همین راستا و نمونه‌ای از آنهاست. ضرب‌المثل «کافر همه را به کیش خود پندارد» نیز بیانگر فرافکنی است.

تصویر روی جلد نیز می‌تواند نمونهٔ‌دیگری از موقعیتهای مبهم باشد که هرکسی مطابق محتوای ذهنی خود آن را تفسیر می‌کند. به قول هاتف اصفهانی:

«آنچه بینی دلت همان خـواهـد وآنچه خواهد دلت، همان بینی»

نکته

یادم می‌آید که وقتی یک کودک دبستانی بودم، عادت داشتم اول شب بخوابم. به مادرم سفارش می‌کردم که صبح زود مرا بیدار کند تا به درس و مشقم برسم. او به عهد خود وفا می‌کرد اما من تصور می‌کردم که هنوز پاسی از شب نگذشته است. از او اصرار، از من انکار تا این که به زبان آذری می‌گفت: «*یوخی، یوخی گتیرَرْ*»، یعنی *خواب، خواب می‌آورد*. من هم به اجبار می‌پذیرفتم که خواب، خواب می‌آورد، پا می‌شدم و مشقهایم را می‌نوشتم.

بزرگ شدم، شنیدم «*پول، پول می‌آورد*»، یعنی برای پولدار شدن باید پول داشت و برای سرمایه‌دار شدن باید سرمایه داشت. این یکی را نیز پذیرفتم، اما نتوانستم به‌کار ببرم، چون نه پول داشتم و نه سرمایه، در نتیجه نه پولدار شدم و نه سرمایه‌دار.

وقتی با روان‌شناسی آشنا شدم، فهمیدم که یادگیری، یادگیری می‌آورد. یعنی برای یادگیری بیشتر باید بیشتر یادگرفت. آری، دانشجوی عزیز،

یادگیری، یادگیری می آورد

حمزهٔ گنجی

فهرست مطالب

ضرورت یادگیری روان‌شناسی ..... سیزده
چگونه بخوانید تا بهتر یاد بگیرید ..... هفده

فصل اول : تعریف، تاریخچه، مکتبها، رشته‌ها، روشهای تحقیق و زمینه‌های مورد مطالعهٔ روان‌شناسی .. ۱

تعریف روان‌شناسی ۱
تاریخچهٔ روان‌شناسی ۵
تاریخچهٔ روان‌شناسی در ایران ۷
مکتبهای روان‌شناسی ۹
ساخت‌گرایی ۹
کنش‌گرایی ۹
گشتالت‌گرایی ۱۰
روان‌کاوی ۱۰
انسان‌گرایی ۱۱
رفتارگرایی ۱۱
شناخت‌گرایی ۱۱
اجتماع و فرهنگ‌گرایی ۱۲
زیست‌گرایی ۱۲
رشته‌های روان‌شناسی ۱۲
روشهای تحقیق در روان‌شناسی ۱۴
روش مشاهدهٔ طبیعی ۱۴
روش آزمایشی ۱۵
روش بالینی (کلینیکی) ۱۵
روش آزمونها ۱۶
روش روان‌کاوی ۱۷
زمینه‌های مورد مطالعهٔ روان‌شناسی ۱۷
یادگیری ۱۷
اختلالهای رفتاری ۲۰
کم‌توانی ذهنی ۲۲

خلاصهٔ فصل ۲۴
خودآزمایی ۲۶

فصل دوم: شرطی شدن و یادگیری ۲۹

تحول مفاهیم مربوط به یادگیری ۳۰
شرطی‌کردن از نوع محرک: پاولف ۳۴
شرطی‌کردن از نوع پاسخ: تقویت ۳۷
مطالعهٔ آزمایشی شرطی‌کردن از نوع پاسخ ۳۸
یادگیریهای شناختی ۴۱
یادگیری از راه بینش ۴۱
یادگیری پنهان ۴۱
یادگیری ادراکی ۴۲
دانستن: آمادگی برای پاسخ دادن ۴۵
یادگیری مشاهده‌ای ۴۶
خلاصهٔ فصل ۴۷
خودآزمایی ۴۸

فصل سوم: رشد و عوامل مؤثر در آن ۵۱

دورهٔ نطفه‌ای ۵۱
دورهٔ شبیه‌جنینی ۵۱
دورهٔ جنینی ۵۲
رشد جسمی ۵۳
بازتابها ۵۳
رشد حرکتی ۵۴
رشد ادراک ۵۴
دلبستگی ۵۷
دوره‌های دلبستگی ۵۷
سبکهای فرزندپروری ۵۸
رشد شناختی ۵۹
نظریهٔ رشد شناختی پیاژه ۵۹
رشد اخلاقی ۶۱
نوجوانی ۶۳
بلوغ جنسی ۶۴
تعارضهای نوجوانی ۶۴
بزرگسالی ۶۴
سالمندی ۶۵
مرگ و آخرین لحظه‌های زندگی ۶۶

خلاصهٔ فصل ۶۷
خودآزمایی ۶۸

فصل چهارم : هوش ۷۳

تعریف هوش ۷۳
اندازه‌گیری هوش ۷۴
ویژگیهای اصلی آزمونهای هوشی ۷۵
استاندارد بودن ۷۵
پایایی یا ثبات ۷۶
روایی ۷۷
آزمونهای هوشی و پیشرفت تحصیلی ۷۷
آزمونهای فردی هوش ۷۸
آزمونهای وکسلر ۷۹
آزمون سنجش آمادگی کودکان برای ورود به آموزش همگانی ۷۹
آزمونهای گروهی هوش ۸۱
آزمون نظامی آلفا ۸۲
آزمونهای نابسته به فرهنگ کتل ۸۲
آزمون «ترسیم آدمک» ۸۲
استفادهٔ بجا و نابجا از آزمونهای هوشی ۸۳
تفاوتهای هوشی: چگونه و چرا تفاوت داریم؟ ۸۴
سن و ضریب هوشی ۸۴
کم توانی ذهنی ۸۴
سرآمدی ۸۶
اثر توارث در هوش ۸۷
اثر محیط در هوش ۹۰
هوش هیجانی ۹۱
خلاصهٔ فصل ۹۴
خودآزمایی ۹۶

فصل پنجم : حافظه و فراموشی ۹۹

مراحل سه‌گانهٔ تشکیل حافظه ۹۹
حافظهٔ حسی: اولین مرحله ۹۹
حافظهٔ کوتاه‌مدت: انتخاب و دقت ۱۰۱

فصل اول

تعریف، تاریخچه، مکتبها، رشته‌ها، روشهای تحقیق و زمینه‌های مورد مطالعهٔ روان‌شناسی

تعریف روان‌شناسی

شما که هم اکنون مشغول خواندن این کتاب هستید، آیا می‌دانید که خواندن را چگونه یاد گرفته‌اید؟ آیا می‌دانید که چگونه یاد گرفته‌اید راه بروید، حرف بزنید یا فکر کنید؟ آیا همیشه علت اعمال و رفتارهای خود را می‌دانید؟ آیا می‌دانید که چرا گاهی شاد و گاهی غمگین هستید؟ آیا می‌دانید که چرا برخی دانش‌آموزان نمی‌توانند در کنکور دانشگاهها قبول شوند اما برخی دیگر قبول می‌شوند؟ آیا می‌دانید که هوش چیست و چگونه رشد می‌کند؟ آیا می‌دانید که علت باهوشی چیست؟ آیا می‌دانید که چرا رفتار برخی مردم عجیب به نظر می‌رسد و علت آن چیست؟ آیا می‌دانید که ناتوانی ذهنی چیست و چه عواملی موجب کم‌توانی ذهنی می‌شوند؟ آیا می‌دانید که چرا خواب می‌بینید؟ آیا می‌دانید که منظور از دو بیت زیر، که اولی از هاتف اصفهانی و دومی از صائب تبریزی است، چیست و کجا باید آنها را به‌کار برد؟

آنچه بینی دلت همان خواهد　　وآنچه خواهد دلت همان بینی

***

سر زلف تو نباشد سر زلف دگری　　از برای دل ما قحط پریشانی نیست

روان‌شناسی سعی می‌کند پاسخ این سؤالها و صدها سؤال دیگر را پیدا کند. بنابراین، جذابیت روان‌شناسی در این است که به سؤالهای شما پاسخ می‌دهد. به سخن دیگر، روان‌شناسی دربارهٔ خود شما صحبت می‌کند: این که چگونه فکر می‌کنید، چرا قبول می‌شوید یا قبول نمی‌شوید، چگونه احساس غم یا شادی می‌کنید، چرا از شخصی یا از رنگی خوشتان می‌آید، چرا گاهی از یک نفر بدتان

می‌آید و علت آن را نمی‌دانید و خلاصه این که چگونه رفتار می‌کنید. بنابراین، وقتی روان‌شناسی می‌خوانید در واقع رفتار خود را مطالعه می‌کنید و در نتیجه می‌توانید رفتار دیگران را نیز مطالعه کنید.

بنابراین، روان‌شناس کسی است که رفتار خود و دیگران را مطالعه می‌کند. البته روان‌شناس خوب کسی خواهد بود که ابتدا خودش را مورد مطالعه قرار دهد بعد به مطالعهٔ دیگران بپردازد. اما روان‌شناس با تجربه به خوبی می‌داند که هر فردی با دیگران فرق دارد. یعنی می‌داند که افکار، علایق، انگیزشها، عواطف و تواناییهای او همانهایی نیست که دیگران دارند. روان‌شناس با تجربه می‌داند که آنچه دربارهٔ خود او صدق می‌کند ممکن است دربارهٔ دیگران صدق نکند.

گفتیم که روان‌شناسی به پرسشهای شما پاسخ می‌دهد. حال بهتر است بیاییم یکی از پرسشها را در نظر بگیریم و ببینیم روان‌شناسی چگونه به آن پاسخ می‌دهد. فرض کنیم در حال خواندن این کتاب هستید. آیا می‌دانید که خواندن را چگونه یاد گرفته‌اید؟ برای پی‌بردن به این که روان‌شناسی چگونه به این پرسش و صدها پرسش دیگر پاسخ می‌دهد، باید از اینجا شروع کنیم که روان‌شناسی چیست و روان‌شناسان چه روشها و ابزارهایی به‌کار می‌برند.

روان‌شناسی یعنی شناختن روان یا ذهن. بنابراین، روان‌شناس کسی است که روان یا ذهن را مطالعه می‌کند. حتماً می‌پرسید که روان یا ذهن در کجا قرار دارد، آیا می‌توان آن را دید یا لمس کرد؟ مسلماً خیر. روان یا ذهن را مستقیماً نمی‌توان دید و در نتیجه مستقیماً نیز نمی‌توان آن را مطالعه کرد. می‌پرسید، پس روان‌شناسان چه کار می‌کنند؟ برای آنکه به سؤال شما پاسخ دهیم، ابتدا مثال زیر را در نظر می‌گیریم:

فرض کنیم می‌خواهید اتومبیلی بخرید. آیا می‌پرسید که موتور اتومبیل چند اسب بخار قدرت دارد؟ مسلماً نه. برای اطلاع از قدرت موتور اتومبیل، آن را راه می‌برید، در صورت امکان در بیرون از شهر رانندگی می‌کنید، مصرف بنزین، وضعیت روغن، صدای موتور و ... را در نظر می‌گیرید. اگر موتور خوب کار کند، روغن‌سوزی نخواهد داشت، مصرف بنزین بالا نخواهد بود، سرعت اتومبیل زیاد خواهد بود و ... بنابراین، از روی کنش موتور یا عملکرد آن پی خواهید برد که چقدر قدرت دارد و چگونه کار می‌کند. شما، بدون آنکه از قدرت موتورهای اتومبیلهای بنز، پژوی ۲۰۶ و پراید اطلاع داشته باشید، بنز را بهتر از پژوی ۲۰۶ و پژوی ۲۰۶ را بهتر از پراید می‌دانید، چون در موقعیتهای مختلف عملکردهای آنها را دیده‌اید یا دست کم از دیگران شنیده‌اید.

مطالعهٔ روان یا ذهن آدمی نیز به همین شیوه انجام می‌گیرد. ذهن یا روان مستقیماً قابل مطالعه نیست اما از روی جلوه‌ها و از روی عملکردهایی که دارد قابل مطالعه است. مثلاً، از روی تعداد پاسخهای صحیح داوطلب در کنکور ورودی دانشگاهها، از روی تعداد قطعاتی که کارگر کارخانه در یک ساعت می‌سازد، از روی پروازهای موفقیت‌آمیز خلبان، از روی تعداد صفحاتی که ماشین‌نویس در یک ساعت ماشین می‌کند و از روی تعداد صفحاتی که یک دانش‌آموز می‌تواند در یک ساعت بخواند، از طریق مقایسه با دیگران، می‌توان گفت که ذهن یا روان او چگونه کار می‌کند. اگر او این کارها را بهتر از دیگران

انجام دهد، خواهیم گفت که توانایی ذهنی او بیشتر از دیگران است. بنابراین، خود ذهن یا خود روان را مطالعه نمی‌کنیم بلکه کنشها یا عملکردهای آن را مطالعه می‌کنیم. ما جلوه‌های خارجی ذهن را مطالعه می‌کنیم. به سخن دیگر، ما رفتار[1] انسان را مطالعه می‌کنیم. رفتار کلمه‌ای است که روان‌شناسان برای بیان آنچه مردم انجام می‌دهند به‌کار می‌برند، مثلاً خندیدن، بازی کردن، دویدن، متلک گفتن، شوخی کردن، مشق نوشتن، مطالعه کردن، شعر سرودن و ... البته رفتار، معنای وسیعتر از اینها دارد که بعداً به آن خواهیم رسید.

با این حساب، به نظر می‌رسد که روان‌شناسی باید علم جالب و در عین حال مشکلی باشد، زیرا همهٔ آنچه به روان‌شناسی مربوط می‌شود مستقیماً قابل دیدن نیست. افکار و احساسات، مثل آب و خاک و باد و باران، قابل دیدن، لمس کردن یا اندازه‌گرفتن نیست. روان‌شناس نمی‌تواند هوش، حافظه و شخصیت افراد را مستقیماً اندازه بگیرد. او تنها می‌تواند عملکردهای افراد را مشاهده کند و براساس آنها بگوید که مثلاً باهوش هستند یا کم هوش، حافظهٔ قوی دارند یا ضعیف، شخصیت بهنجار دارند یا نابهنجار و ... .

مثال دیگری می‌آوریم تا به خوبی روشن شود که روان‌شناسان چگونه ذهن را مطالعه می‌کنند. یک تکه کاغذ قرمز به ابعاد ۵×۵ سانتیمتر تهیه کنید. آن را روی یک متن خاکستری بگذارید، با یک چشم و به مدت ۴۰ ثانیه به وسط آن خیره شوید. بعد از ۴۰ ثانیه آن را بردارید. در زیر آن لکهٔ سبزرنگی خواهید دید. این لکهٔ سبزرنگ، که اصطلاحاً **پس تصویر**[2] نامیده می‌شود، در کجا قرار دارد، در خارج از جسم شما یا در درون آن؟ مسلماً روی متن خاکستری چنین شیء واقعی وجود ندارد، زیرا اگر بخواهید آن را با دست لمس کنید چیزی احساس نخواهید کرد. به علاوه، اگر چشمهای خود را به حرکت در آورید، لکه نیز حرکت خواهد کرد. بنابراین، نتیجه می‌گیرید که چیزی در خارج از بدن شما وجود ندارد و آنچه می‌بینید تصویری است که در دستگاه بینایی شما به وجود آمده است. این نتیجه‌گیری یا این استنتاج بدون چون و چرا قابل قبول است، اما نباید فراموش کنیم که تنها یک استنتاج است نه یک مشاهدهٔ مستقیم. آنچه از آن آگاهی دارید چیزی است که در خارج از جسم شما وجود دارد. شما از فرایندهای تولید این تصویر ذهنی، که در درون شما اتفاق می‌افتد، آگاهی ندارید. شما از مشاهدهٔ مستقیم رفتار خود نتیجه می‌گیرید که، در درون دستگاه بینایی، اتفاقی رخ داده است. رفتار شما همان دیدن لکهٔ سبز و اعلام کردن آن است. چون همه این رفتار را در همین شرایط نشان می‌دهند، در قبول آن جای تردید باقی نمی‌ماند.

بنابراین، ذهن یا روان را تنها می‌توان به‌صورت غیرمستقیم شناخت: براساس جلوه‌های خارجی آن، به کمک آنچه انسانها می‌گویند، کارهایی که انجام می‌دهند و حتی گاهی به کمک کارهایی که انجام نمی‌دهند یا حرفهایی که نمی‌زنند (در مقایسه با موارد قبل). در درون انسان دستگاههای پیچیده‌ای وجود دارد. می‌توان این دستگاهها را با محرکهای مختلف تحریک کرد، اثر هر تحریک را مورد مشاهده قرار داد و چیزهایی در مورد کنش مغز، یعنی ذهن یا روان، کشف کرد. اما نباید فراموش کرد که

---

1. behaviour
2. after-image

عملکردهای دستگاههای موجود در بدن واقعاً پیچیده است و روان‌شناسی، هر چند چیزهای زیادی دربارهٔ عملکردهای دستگاهها کشف کرده است، برای حل پیچیدگی آنها راهی دراز در پیش دارد و تازه معلوم نیست که روزی بتواند به این پیروزی مهم دست یابد. بنابراین، آنچه را که تا اینجا دیدیم، می‌توانیم به‌صورت زیر خلاصه کنیم:

روان‌شناسی، یعنی شناختن روان یا ذهن. چون نمی‌توانیم از فرایند ذهنی دیگران، یعنی از آنچه در درون مغز دیگران اتفاق می‌افتد، شناخت مستقیم داشته باشیم، به اجبار باید عملکرد آنها یا، به سخن دیگر، رفتار آنها را در نظر بگیریم.

البته این روش در مورد فرایندهای ذهنی خود ما نیز مصداق پیدا می‌کند. یعنی زمانی می‌توانیم از فرایندهای ذهنی خود آگاه شویم که عملکردهای خود را به دقت در نظر بگیریم.

شاید آخرین جملهٔ مطالب بالا برای شما بی‌معنا جلوه کند. بدین‌ترتیب که تصور کنید هر انسانی از آنچه در درون خود می‌گذرد آگاهی دارد. اما این طور نیست و این واقعیت را فروید تأیید کرده است و خود شما نیز با کمی توجه می‌توانید آن را تجربه کنید. فروید می‌گفت: در اوضاع عادی زندگی، ممکن است به چیزی فکر کنیم بدون آنکه بدانیم به آن فکر می‌کنیم. مثلاً، بارها از دوستان و از نزدیکان خود می‌شنویم که دربارهٔ کاری که انجام داده‌اند یا انجام نداده‌اند چنین می‌گویند: ***نمی‌دانم چرا این کار را انجام دادم یا نمی‌دانم چرا آن را فراموش کردم.*** فروید گاهی از این هم فراتر می‌رفت، آنجا که می‌گفت: خنده نیز می‌تواند نشانه‌ای از تنفر باشد (خنده‌ای که بدتر از فحش باشد). حتی فراموش کردن اسم افراد یا دشواری در تلفظ آنها نیز می‌تواند نشانه‌ای از تنفر باشد. این مثالها نشان می‌دهند که احتمال دارد ما به چیزی فکر کنیم بدون آنکه بدانیم به آن فکر می‌کنیم. بنابراین، چون مشاهدهٔ مستقیم آنچه در ذهن می‌گذرد امکان‌پذیر نیست، به ناچار باید عملکردهای ذهن را مورد مشاهده قرار دهیم و براساس آنها دربارهٔ آنچه در درون ما می‌گذرد نتیجه‌گیری کنیم. البته نباید فراموش کنیم که این نوع نتیجه‌گیریها همیشه درست نیست. پیش از آنکه از درستی این نتیجه‌گیریها مطمئن شویم لازم است رفتار را با تعمق و دقت بیشتری بررسی کنیم، زیرا خنده نمی‌تواند همیشه موذیانه یا تنفرآمیز باشد. در بسیاری مواقع، فراموشی محض و ساده نیز پیش می‌آید. هدف فروید از این‌گونه تعمیمها این بود که نشان دهد چگونه می‌توان در مطالعهٔ ذهن به‌طور عینی استدلال کرد. او این روش را در مطالعهٔ فرایندهای ذهنی خود نیز به‌کار می‌برد؛ مثلاً، وقتی اسم برخی اشخاص را فراموش می‌کرد، نتیجه می‌گرفت که چیزهایی در مغزش وجود دارد که خود او از آنها بی‌خبر است. او این قسمت از مغز را ناآگاه نامید. البته دیگران آنقدر در تفسیر گفته‌های فروید افراط کردند که مجبور شد این جملهٔ مشهور را بگوید: «گاهی یک سیگار، فقط یک سیگار است!»[1].

1. Somtimes a Cigar is Just a Cigar

تاریخچهٔ روان‌شناسی

هر چند ظهور علم روان‌شناسی را به سال ۱۸۷۹ نسبت می‌دهند، سالی که ویلهلم وونت[1] اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را در شهر لایپزیک آلمان بنا نهاد، مطالعهٔ روح، روان یا عملکرد ذهن، تاریخ بسیار طولانی دارد و حتی می‌توان گفت که به همراه خلقت انسان به وجود آمده است. همهٔ فلاسفه، نویسندگان و پزشکان قدیم به نوعی دربارهٔ رفتار انسان سخن گفته‌اند. بنابراین، برای تهیهٔ تاریخ روان‌شناسی، لازم است به ظهور و گسترش فلسفه، ادبیات، پزشکی و سایر علوم در عهد قدیم اشاره کرد. این کار نیاز به تهیهٔ کتاب جداگانه‌ای تحت عنوان تاریخ روان‌شناسی دارد و کتابهایی نیز در این زمینه نوشته شده است. نگارنده، برای این‌که هم کار خود را راحت کند و هم حال دانشجویان را در نظر بگیرید، فقط مختصری از تاریخچهٔ روان‌شناسی در دو قرن ۱۹ و ۲۰ را توضیح می‌دهد.

در اوایل قرن ۱۹، رشد علوم و انقلاب صنعتی، نیازهای اجتماعی زیادی را به وجود می‌آورد: بهداشت عمومی، تحصیل کودکان، روابط انسانی مناسب به‌منظور افزایش تولید و ... در این دوره انقلابهای سیاسی به وقوع می‌پیوندد، در خیلی کشورها نظامهای خودکامه برچیده می‌شود، انسانها جرأت می‌یابند تا خود را از زیر سلطهٔ تمامیت‌طلبها و فرقه‌ها رها سازند، به حقوق بنیادی خود، مثل حق سلامت، حق مسکن و حق مواظبت از خود و از دیگران برسند.

در ادبیات، ژان ژاک روسو[2] بی‌عدالتیهای اجتماع را فاش می‌سازد؛ ویکتور هوگو[3] رمانتیسم را به اوج شکوفایی می‌رساند و مارکس و انگلس[4] کتابهایی منتشر می‌کنند. خلاصه این‌که در فاصلهٔ دو قرن ۱۹ و ۲۰، امیال، آرزوها و رفتارهای انسان در تمام جبهه‌ها و به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود.

در آلمان، وبر[5] دربارهٔ احساس بینایی و آستانه کار می‌کند و در نتیجه ***قانون وبر و مفهوم کمترین تفاوت محسوس*** به وجود می‌آید. فیخنر[6] کارهای وبر را دنبال می‌کند و سایکو فیزیک را پی می‌ریزد: چیزی که آن را «نظریهٔ رابطهٔ روان و جسم» می‌نامد. وونت، شاگرد فیخنر، همان طور که اشاره کردیم، اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را تأسیس می‌کند و، در نتیجه، به پدر روان‌شناسی جدید شهرت می‌یابد. در سایهٔ تلاشهای وونت، روان‌شناسی روش توصیفی را کنار می‌گذارد تا به‌صورت علم تجربی در آید.

در آمریکا، ویلیام جیمز[7] تصمیم می‌گیرد به آلمان برود و جزء شاگردان وونت در آید. جیمز نیز، مثل وونت، آگاهی یا هشیاری را تحت بررسی آزمایشگاهی قرار می‌دهد و دربارهٔ هیجانها نظریه‌ای عنوان می‌کند که در آن تجربهٔ هیجانی به‌صورت آگاهی یافتن از دگرگونیهای فیزیولوژیک تعریف می‌شود

---

1. W. Wundt (1832-1920)
2. J.J. Rousseau (1712-1778)
3. V. Hugo(1802-1885)
4. K. Marx (1818-1883), F. Engels (1820-1895)
5. W. Weber (1804-1891)
6. G. Fechner (1801-1887)
7. W. James (1842-1910)

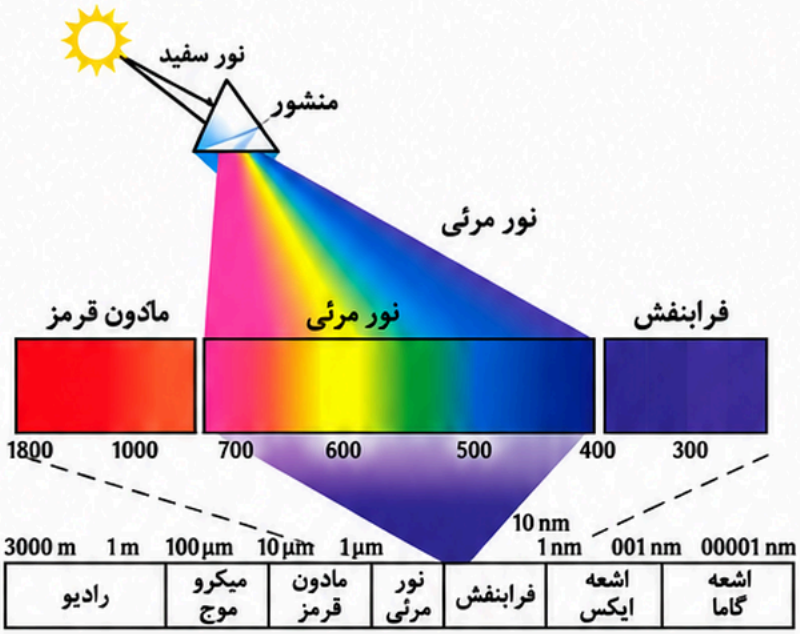

تصویر ۲–۷ طول موج بر حسب میکرومتر میلی متر

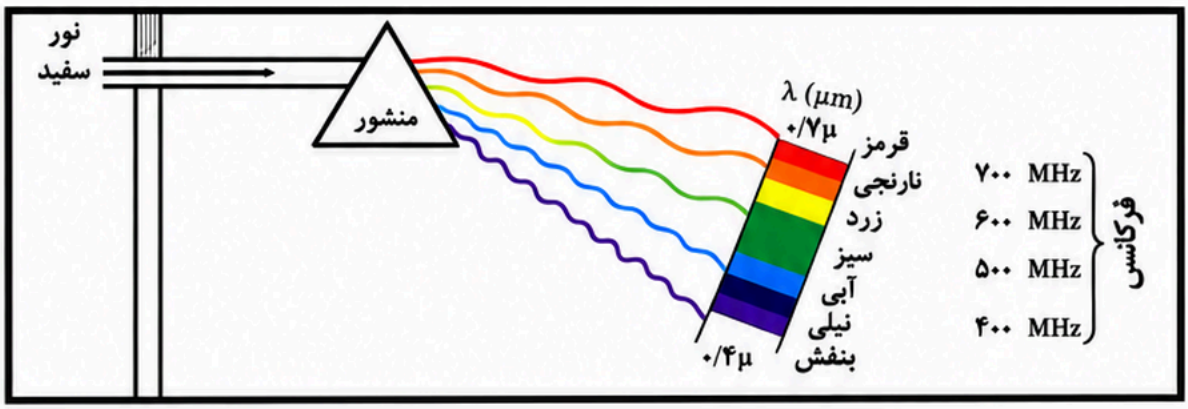

تصویر ۴–۷ تجزیهٔ نور سفید به طیف مرئی

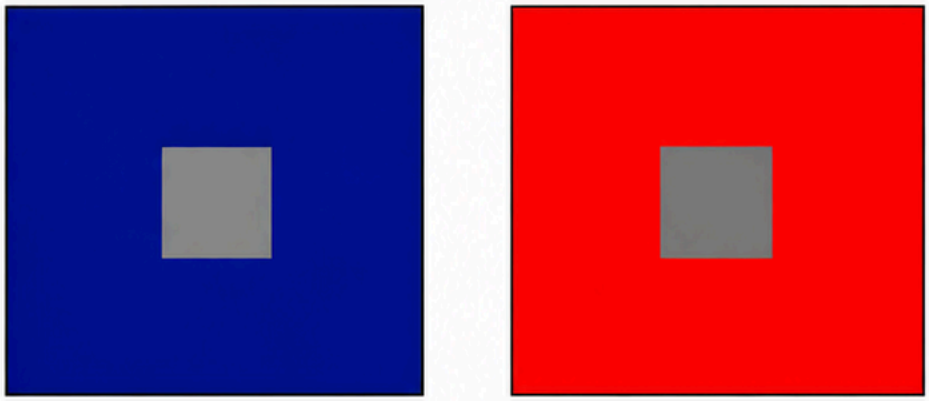

نشر سلوالان

نشانی: روبه‌روی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، واحد ۲۱۴، نشر ساوالان.
کدپستی: ۱۳۱۴۷۴۳۹۸۹ فکس: ۶۶۹۶۱۲۷۵ تلفن: ۶۶۹۵۱۹۴۳
info@savalane.com www.savalane.com

9 786225 863712